

بررسی تفاوت هویت جنسیتی ورزشکاران زن و مرد حرفه‌ای کشور

افسانه زهرا توسلی^{۱*} - حبیب هنری^۲ - افسانه کوشافر^۳

۱. استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران ۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی،

تهران، ایران ۳. کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۳، تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۶/۰۹)

چکیده

هدف از این تحقیق مقایسه هویت جنسیتی ورزشکاران زن و مرد حرفه‌ای ایران است. پژوهش حاضر توصیفی و از نوع تحقیقات همبستگی و علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش را کلیه بازیکنان حاضر در تیم‌های ورزشی ملی و حرفه‌ای زن و مرد رشته‌های ورزشی تیمی و انفرادی ایران $N=380$ تشکیل می‌دهند. در این تحقیق تعداد ورزشکاران مورد تحقیق حدود ۳۸۰ نفر بود که با استفاده از جدول مورگان و کرج سای^۱ ۱۹۱ ورزشکار زن و مرد از تیم‌های ورزشی انفرادی و گروهی انتخاب شدند. ساندرا بم روان‌شناس در سال ۱۹۷۴ آزمونی را تهیه کرد که دوجنسیتی بودن را اندازه‌گیری می‌کند. میانگین هویت زنانگی همان‌طور که انتظار می‌رفت، در زنان ورزشکار بالاتر است ($5/11 \pm 0/43$) و در مردان ورزشکار این میزان کمتر از زنان ورزشکار به دست آمد ($4/96 \pm 0/50$). میانگین هویت دوجنسیتی در زنان و مردان ورزشکار تحت بررسی برابر به دست آمد. این میزان در زنان ورزشکار $4/95 \pm 0/47$ و در مردان ورزشکار $4/93 \pm 0/40$ بود. t به دست آمده در این آزمون $2/263$ - و سطح معناداری کوچک‌تر از $0/05$ به دست آمد که نشان‌دهنده تفاوت معنادار میانگین هویت جنسیتی زنان و مردان است.

واژه‌های کلیدی

جنسیت، ورزش حرفه‌ای، ورزشکار، هویت، هویت زنانگی، هویت مردانگی.

مقدمه

با توجه به نیاز روزافزون جامعه به افزایش ورزش و لزوم جهانی شدن این امر و با توجه به نیاز کشور به افزایش سطوح حرفه‌ای ورزش برای افزایش سلامت جامعه و کسب افتخارات بیشتر و تبدیل ورزش به صنعتی پول‌ساز، به تربیت ورزشکاران با هویت ورزشی بالاتر در سطوح حرفه‌ای و نخبه نیاز است. مفهوم هویت (به معنای اصطلاحی آن) میان اشیا و افراد، نسبت محتمل را برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت. به عبارت دیگر، هویت مرکب از جنس (وجه اشتراک)، و فصل (وجه افتراق) است. واژه هویت عربی است و به معنی تشخیص شیء، ذات و حقیقت آن است. هویت در نزد فلاسفه و حکما بر «ماهیت»^۱ و گاه بر «وجود» اطلاق می‌شود. بنابراین از واژه هویت گاه ماهیت فلسفی اراده می‌شود گاه وجود فلسفی (۷).

مضمون اصلی ادبیات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی (هویت جنسیتی) در دوران معاصر این است که زندگی روحی درونی زنان در شکل کلی آن با حیات روحی مردان تفاوت دارد. زنان از نظر ارزش‌ها و منافع بنیادی و شیوه داورهای ارزشی بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند (۱۴).

مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، به تقویت فرایند اجتماعی شدن ورزشی منجر می‌شود. انگیزه اولیه مشارکت نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های ورزشی، کسب لذت، سرگرمی و نیز کسب مهارت در رشته ورزشی مورد علاقه خود است. به مرور نقش خانواده، دوستان، مربیان، معلمان و رسانه‌ها بارزتر شده و با هدف پیشبرد آرمان‌های ورزشی آنان، ترغیب و حمایت قرار می‌گیرد (۲۳).

بی‌گمان جنسیت افراد در کسب هویت و شناخت خویشتن نیز، در زنان و مردان متفاوت است. یعنی افراد

تحت فشار وادار می‌شوند هویت مردانه و زنانه بپذیرند. از نظر مایکل کیمل هویت برابر است با همان هویت جنسیت. وی می‌گوید هویت مجموعه‌ای است از ذهنیات، تجربیات و سلایقی که ما را شکل می‌دهند. هویت تصویری است که ما از خود و روابطمان با جهان بیرون داریم. اگرچه ممکن است این تصور از خودمان با تصور دیگران از ما کاملاً تفاوت داشته باشد. اما اینکه ما چه تصویری از خودمان داشته باشیم، به تصور ما از جنسیت خودمان بستگی دارد، به عبارت دیگر هویت ما را هویت جنسیتی ما تشکیل می‌دهد (۱۹).

دو رویکرد جنسیتی این امر که زن و مرد نقش‌های متفاوتی را در جامعه و در گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر ایفا می‌کنند، پذیرفته شده است. اما این پذیرش نه صرفاً به سبب تفاوت‌های بیولوژیک بلکه تحت تأثیر ایدئولوژی جوامع، گذشته‌های تاریخی، عوامل مذهبی، قومی، هنجارها و سنت‌ها، عوامل اقتصادی و فرهنگی قرار دارد. نحوه شکل‌گیری اجتماعی و محتوایی این نقش در فضاهای گوناگون و در طول زمان، متفاوت و همواره در حال تغییر است (۵).

مطالعات بروور و همکاران (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان هویت خود را با ورزش شکل داده‌اند و این امر در مقایسه افراد ورزشکار و غیر ورزشکار نیز صدق می‌کند. براساس سنت، جامعه، مردان و ورزشکاران را بیشتر از زنان و افراد غیرورزشکار به ورزش ترغیب می‌کند. بنابراین جامعه، ورزش را به عنوان یک فعالیت مردانه به تصویر کشیده است و به شرکت مردان و ورزشکاران در ورزش بیشتر از زنان و افراد غیرورزشکار اهمیت می‌دهد (۱۰). بر پایه تحقیقات انجام گرفته، ورزشکاران حرفه‌ای هویت پیچیده‌ای داشته و در معرض انتظارات اجتماعی^۲ فراوان قرار دارند. این فشارهای اجتماعی، پرورش‌دهنده

عزت نفس آنان براساس برون داده‌های عملکرد هستند (۱۳). ورزشکارانی که برای موفقیت تلاش می‌کنند و عملکرد خود را بر مبنای استانداردهای بالا ارزیابی می‌کنند، هنگام مواجهه با شکست یا عدم موفقیت، مستعد افسردگی‌اند (۲۱).

براساس نتایج پژوهش عباسی (۱۳۸۳) تعلق به قوم در اولویت اول، تعلق به بشریت در اولویت دوم و تعلق به ملت و امت به‌طور مشترک در اولویت سوم در بین معلمان شهر تبریز قرار داشتند (۶).

گروسی (۱۳۸۴) در بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده مورد مطالعه در شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن، دریافت نابرابری جنسی یکی از پدیده‌هایی است که در بیشتر جوامع بشری دیده می‌شود (۸). جلالی آگرددی در سال ۱۳۸۹ تحقیقی با هدف بررسی رابطه بین مدیریت بدن و هویت اجتماعی جوانان انجام داد. به‌منظور دستیابی به این هدف، مفهوم مدیریت بدن به‌عنوان متغیر مستقل خود با سه بعد کنترل وزن برای تناسب اندام، میزان گرایش به جراحی‌های زیبایی و همچنین میزان استفاده از لوازم آرایشی و بهداشتی تقسیم شد و نمره نهایی مدیریت بدن از طریق محاسبه مجموع امتیاز فرد در هر یک از این ابعاد سه‌گانه به‌دست آمد (۲). در سال ۱۹۷۸ ویلیام و گیلیز^۱ اولین نظریه هویت اجتماعی زنان را ارائه کردند. آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که زنان موجوداتی هستند که کمترین امتیاز جنسی را دارند و هویت اجتماعی آنان در مقایسه با مردان آشکار می‌شود. به نظر ویلیامز و گیلز هویت اجتماعی زنان با خصوصیات منفی و پست همراه می‌شود و زنان برای گریز از این تفاوت با مردان به دنبال کنش‌هایی برای توسعه یک احساس مثبت از این تفاوت‌ها

هستند (۴). خمسه^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان داد که دختران دانشجوی مورد مطالعه، در مقیاس زنانگی در مقایسه با مقیاس مردانگی تفاوت معنادار دارند؛ به بیان دیگر، تفاوت بین طرح‌واره‌های ذهنی زنانه و مردانه در این گروه معنادار است. همچنین، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانشجویان با نقش‌های جنسیتی آنها رابطه دارد (۱۶).

زهره‌وند^۳ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از نقش» نشان می‌دهد که باورهای جنسیتی دختران و پسران دانش‌آموز تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارد، چنانکه باورهای جنسیتی پسران در مقایسه با دختران غیرکلیشه‌ای‌تر است. دختران بیش از پسران آرزو دارند که در صورت تولد دوباره، جنس دیگری داشته باشند (۳). کارلیا و گوئیلن^۴ در سال ۲۰۱۴ در مقاله‌ای هویت اجتماعی مثبت و برخورد هویت نقش را بررسی کردند و نشان دادند که در واقع هویت جنسیتی مثبت سبب کاهش چالش‌های هویت رهبری زنان می‌شود (۱۷). کیم و تریل^۵ (۲۰۰۷) تأثیر نقش هویت‌ها بر قصد و نیت آنان از داوطلب شدن را سنجیدند و نشان دادند در بین داوطلبان دانشکده ورزش دانشگاه هویت تیمی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای داوطلب شدن در مسابقات ورزشی دانشگاه بود (۱۸).

هویت جنسیتی، خود به‌عنوان یک مفهوم برگرفته از مباحث اجتماعی به طبقه‌بندی اجتماعی مذکر و مؤنث مربوط می‌شود. انتشل^۶ (۱۹۹۵) بیان می‌دارد براساس نظریه گیدنز تلقی افراد از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برای آنها معنادار است، تعریف می‌شود (۹). در ضمن تصویری خاص را در فرد می‌پروراند که معنای

2. Khamse
3. Zohrevand
4. Karelia and Guillen
5. Kim and Trail
6. Antshel

1. William and Giles

بسیاری از نقش‌ها و تصورات او از مرد یا زن بودن یا همان مردانگی و زنانگی است. نولن هوکسما (۱۹۸۷) عنوان می‌کند که یونگ نیز معتقد است زن و مرد موجوداتی دوجنسیتی‌اند و این به این معناست که هر کسی در وجود هم عنصر زنانه و هم عنصر مردانه دارد (۲۱). به عبارتی اعتقاد بر این است که جنسیت و هویت جنسیتی مجموعه‌ای از مفاهیم است که در فرایند رابطه ما با خودمان، دیگران و دنیایمان ساخته شده و یک ساخت فرهنگی است. از این رو با توجه به اهمیت موضوع محقق به دنبال پاسخگویی به این پرسش کلی است که هویت جنسیتی چه تفاوت و تمایزی را در ورزشکاران زن و مرد نشان می‌دهد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع تحقیقات همبستگی و علی-مقایسه‌ای است. نتایج این تحقیق با توجه به اهداف تعیین‌شده از نوع پژوهش‌های کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه بازیکنان حاضر در تیم‌های ورزشی ملی و حرفه‌ای زن و مرد رشته‌های ورزشی تیمی و انفرادی ایران $N=380$ تشکیل می‌دهند. در این تحقیق تعداد ورزشکاران مورد تحقیق حدود ۳۸۰ نفر بودند که با استفاده از جدول مورگان و کرجسای^۱ ۱۹۱ نفر ورزشکار زن و مرد از تیم‌های ورزشی انفرادی و گروهی انتخاب شدند.

ساندرا بم روان‌شناس در سال ۱۹۷۴ آزمونی را تهیه کرد که دوجنسیتی بودن را اندازه‌گیری می‌کند (۱). این آزمون شامل ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی است. از پاسخ‌دهندگان درخواست می‌شود برای هر مورد نشان بدهند که در مقیاسی از ۱ (هرگز یا تقریباً هرگز درست نیست) تا ۷ (همیشه یا تقریباً همیشه درست است) آن

صفت تا چه حد می‌تواند آنها را توصیف کند. از ۶۰ صفت موجود ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای زنانه است و ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای مردانه و ۲۰ صفت خنثی است؛ یعنی رفتار وابسته به جنسیت نیست. موارد ۱، ۴ و ۷ و غیره موارد مردانه هستند و سؤالات ۲ و ۵ و ۸ و غیره زنانه و سؤالات ۳ و ۶ و ۹ و غیره خنثی هستند. بنابراین خوداتکایی مردانه، مطیع بودن ویژگی زنانه و مهربانی، ویژگی خنثی محسوب می‌شود.

بم (۱۹۸۱) به منظور محاسبه اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه نقش جنسیتی همبستگی آن را با فرم بلند بررسی کرد و ضریب همبستگی بین این دو را ۰/۹۹ به دست آورد. بم همسانی درونی این مقیاس را ۰/۹۰ به دست آورد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس در این تحقیق ۰/۸۲۰ به دست آمد که بیانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون است.

نتایج و یافته‌های تحقیق

سن

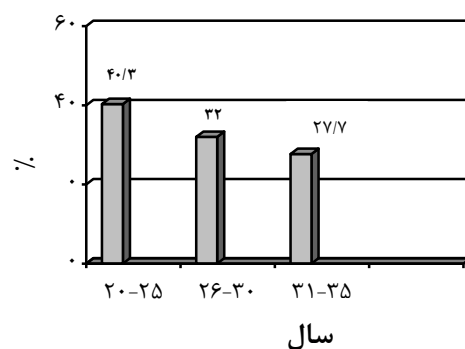
همان‌گونه که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود محدوده سنی شرکت‌کنندگان در نمونه انتخابی ۲۰ تا ۳۵ سال و با میانگین ۲۶/۸۸ سال و انحراف معیار ۲/۰۳ بود.

تحصیلات

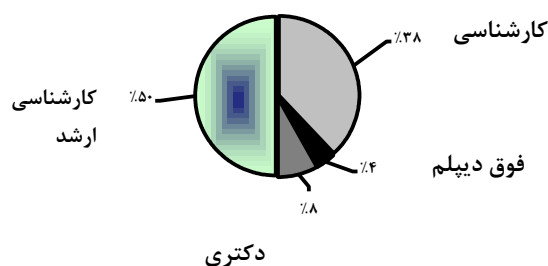
محدوده تحصیلات ورزشکاران فوق‌دیپلم تا دکتری بود. همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود بیشترین میزان سطح تحصیلات ورزشکاران مورد بررسی کارشناسی‌ارشد (۵۰ درصد) بودند. شایان ذکر است اغلب این ورزشکاران دانشجوی کارشناسی‌ارشد بودند و کمترین میزان تحصیلات کاردانی (۴/۳ درصد) بود.

جنسیت

جدول ۱ نشان‌دهنده ورزشکاران مورد بررسی از هر دو جنسیت خانم‌ها و آقایان و توزیع آنهاست.



شکل ۱. توزیع درصد فراوانی سن ورزشکاران زن و مرد تحت بررسی



شکل ۲. توزیع درصد فراوانی میزان تحصیلات ورزشکاران زن و مرد تحت بررسی

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد فراوانی جنسیت ورزشکاران مورد بررسی

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
مرد	۱۰۲	۵۴/۸	۵۴/۸
زن	۸۴	۴۵/۲	۱۰۰
مجموع	۱۸۶		

هویت جنسیتی

پرسشنامه به کاررفته در این تحقیق شامل ۶۰ سؤال است که ۵ مؤلفه اصلی دارد که در جدول ۲ وضعیت آمارهای توصیفی آنها ارائه شده است.

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود میانگین هویت مردانگی در ورزشکاران مرد بیش از ورزشکاران زن به دست آمده است (۵/۱۸±۰/۶۹۵). در زنان این میزان کمتر از ورزشکاران مرد به دست آمد (۵/۱۲±۰/۶۲۶).

همان گونه که جدول ۳ نشان می دهد میانگین هویت

زنانگی همان طور که انتظار می رفت در زنان ورزشکار بالاتر است (۵/۱۱±۰/۴۳۲) و در مردان ورزشکار این میزان کمتر از زنان ورزشکار به دست آمد (۴/۹۶±۰/۵۰۲).

همان گونه که جدول ۴ نشان می دهد میانگین هویت دوجنسیتی در زنان و مردان ورزشکار تحت بررسی برابر است؛ این میزان در زنان ورزشکار ۴/۷۵±۰/۹۵۵ و در مردان ورزشکار ۴/۰۹±۰/۹۳۴ بود.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی هویت مردانگی از هویت جنسیتی ورزشکاران زن و مرد تحت بررسی

متغیر	شاخص‌های توصیفی	زنان	مردان	کل
میانگین انحراف استاندارد حداقل حداکثر نما واریانس	میانگین	۵/۱۲	۵/۱۸	۵/۱۵
	انحراف استاندارد	۰/۶۲۶	۰/۶۹۵	۰/۶۶۴
	حداقل	۴/۰۵	۳	۳
	حداکثر	۶/۸	۶/۵	۶/۸
	نما	۴/۶۵	۵/۳۵	۵/۳۵
	واریانس	۰/۳۹۲	۰/۴۸۴	۰/۴۴۱

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی هویت زنانگی از هویت جنسیتی ورزشکاران زن و مرد تحت بررسی

متغیر	شاخص‌های توصیفی	زنان	مردان	کل
میانگین انحراف استاندارد حداقل حداکثر نما واریانس	میانگین	۵/۱۱	۴/۹۶	۵/۰۳
	انحراف استاندارد	۰/۴۳۲	۰/۵۰۲	۰/۴۷۷
	حداقل	۴/۲۵	۳/۸	۳/۸
	حداکثر	۵/۹	۵/۹	۵/۹
	نما	۴/۸۵	۴/۳۵	۴/۸۵
	واریانس	۰/۱۸۷	۰/۲۵۳	۰/۲۲۷

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی هویت دوجنسیتی از هویت جنسیتی ورزشکاران زن و مرد تحت بررسی

متغیر	شاخص‌های توصیفی	زنان	مردان	کل
میانگین انحراف استاندارد حداقل حداکثر نما واریانس	میانگین	۴/۹۵	۴/۹۳	۴/۹۴
	انحراف استاندارد	۰/۴۷۵	۰/۴۰۹	۰/۴۳۹
	حداقل	۳/۵	۳/۸	۳/۵
	حداکثر	۵/۹۵	۵/۶۵	۵/۹۵
	نما	۵	۴/۹	۵/۰۵
	واریانس	۰/۲۲۶	۰/۱۶۸	۰/۱۹۳

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود متغیر هویت جنسیتی به همراه کلیه مؤلفه‌های آن دارای توزیع طبیعی هستند و از این رو به منظور بررسی فرضیه آمار مربوط به هویت جنسیتی از آزمون‌های پارامتریک استفاده شد.

برای بررسی تفاوت هویت ورزشی زنان و مردان از آزمون آماری تی استیودنت مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت بررسی توزیع طبیعی متغیر هویت جنسیتی

متغیر	Z	P	نتیجه
هویت جنسیتی	۱/۰۵۲	$> ۰/۰۵$	توزیع طبیعی
هویت مردانه	۰/۸۹۱	$> ۰/۰۵$	توزیع طبیعی
هویت زنانه	۰/۹۵۰	$> ۰/۰۵$	توزیع طبیعی
هویت دوجنسیتی	۱/۱۸۸	$> ۰/۰۵$	توزیع طبیعی

جدول ۶. نتایج آزمون تی استیودنت مستقل برای مقایسه هویت جنسیتی زنان و مردان ورزشکار

گروه	تست لیونز		d.f	t	سطح معناداری p
	F	sig			
زنان	۰/۸۷	۰/۶	۱۸۴	-۲/۲۶۳	۰/۰۵
مردان					

همان‌گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد برای مقایسه میانگین هویت ورزشی در گروه ورزشکاران زن و مرد به آزمون یکسانی واریانس‌ها نیاز است. تست لیونز با توجه به F محاسبه شده و سطح معناداری بالای $۰/۰۵$ نشان‌دهنده تأیید یکسانی واریانس‌های دو گروه در هویت ورزشی است ($F=۰/۸۷$ و $P=۰/۰۵$). بنابراین با فرض برابری واریانس‌ها آزمون تی تحلیل می‌شود.

t به دست آمده در این آزمون $-۲/۲۶۳$ و سطح معناداری کوچک‌تر از $۰/۰۵$ به دست آمد که نشان‌دهنده تفاوت معناداری میانگین هویت جنسیتی زنان و مردان است. آمارهای توصیفی نشان از بالا بودن میانگین هویت جنسیتی زنان نسبت به مردان دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بنیان‌های قوی فرهنگی، اجتماعی، جنسیتی و مذهبی کشور ایران، نقش انکارناپذیر و حیاتی مذهب در باورها و ارزش‌های مردم، نقش قدرتمند خانواده در تربیت و رشد

پرورشی اعضای خود و در نهایت روحیه انسانی و عاطفی ایرانیان، اهمیت سایر هویت‌ها را در کنار هویت ورزشی یادآور می‌شوند.

در تحقیق حاضر هدف اصلی محقق بیان اهمیت اثر هویت ورزشی زنان و مردان ورزشکاران حرفه‌ای و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (هویت جنسیتی) است. در ورزش و به‌ویژه ورزش حرفه‌ای شناسایی این عوامل و تأثیر مؤلفه‌های هویت ورزشی بر هویت جنسیتی در زنان و مردان ورزشکار می‌تواند مسیرهای روشن‌تری را در حوزه جامعه‌شناسی معرفی کند که مربیان و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در این خصوص بهتر از گذشته به این عوامل توجه داشته باشند و در تحلیل این قشر هویت‌آفرین برای هر کشور مؤثرتر عمل کنند.

به‌منظور بررسی فرضیه مذکور از آزمون آماری تی استیودنت مستقل استفاده شد. t به دست آمده در این آزمون $-۲/۲۶۳$ و سطح معناداری کوچک‌تر از $۰/۰۵$ به دست آمد که نشان‌دهنده تفاوت معناداری میانگین

هویت جنسیتی زنان و مردان است.

آمارهای توصیفی نشان از بالا بودن میانگین هویت جنسیتی زنان نسبت به مردان دارد. این نتیجه با یافته‌های استادی (۱۳۹۰) همسوست. بدین معنا که زنان در مدیریت بدن که شامل عضویت در باشگاه‌های ورزشی (به‌ویژه به‌صورت حرفه‌ای) میانگین بالاتری کسب کرده‌اند (۱). همچنین چالاباوف و همکاران (۲۰۱۳) با مخالفت از دخالت دادن کلیشه‌های جنسیتی در عملکرد ورزشی نشان می‌دهند که تصور بهتر و بیشتر بودن شرکت مردان در فعالیت‌های ورزشی باید بررسی و بازنگری شود که این همسو با نتیجه تحقیق مبنی بر بالاتر بودن هویت جنسیتی در زنان به نسبت مردان است (۱۱). مطالعات گود و همکاران (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که ورزشکاران دختر در یک رشته ورزشی پختگی شغلی بیشتری را نسبت به ورزشکاران پسر همان رشته نشان می‌دهند. از این‌رو با توجه به اینکه جمعیت آماری این تحقیق ورزشکاران حرفه‌ای‌اند که شغل آنها ورزش است، یافته‌های محقق همسو با نتایج تحقیق گود و همکاران (۱۹۹۳) مشاهده شد (۱۵).

در ضمن نتیجه این فرضیه با نتایج تحقیق کری و ورنر (۱۹۸۷) مبنی بر هویت جنسیتی بالاتر در ورزش‌های رقابتی‌تر مخالف است (۱۲). با توجه به اینکه ورزش حرفه‌ای مردان رقابتی‌تر است، هویت جنسیتی در مردان باید بیشتر از زنان باشد، در صورتی که در تحقیق حاضر هویت جنسیتی زنان بیشتر از مردان به‌دست آمده است. در این زمینه انشل و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند هویت ورزشی شناگران مرد از شناگران زن بیشتر است؛ این شاید به دلیل انتخاب جمعیت آماری از بین دانشجویان دانشگاه است (۹). همچنین کرایلوویچ (۲۰۰۰) به این نتیجه رسید که ورزشکاران پسر دارای هویت ورزشی بالاتری در مقایسه با ورزشکاران دخترند (۲۰).

وقتی کسی ورزش می‌کند، این عمل هماهنگ با هویت جنسیتی او انجام می‌گیرد، که مهر ارزش‌ها و نظام‌های معنایی مانند آرمان‌های زیبایی و خوش‌اندازی، آستانه شرم و حیا، فنون بدنی، تصور درباره تماس‌های بدنی و ... را بر خود دارد. به همین سبب ما ورزش‌هایی داریم که ویژگی اصلی‌شان قدرت بدنی و توانایی‌های فیزیکی و تماس مستقیم با حریف است. اینها ورزش‌های مردانه تلقی می‌شوند. برای مثال، می‌توان از کشتی، مشت‌زنی، وزنه‌برداری، پرتاب وزنه و پرش با نیزه نام برد. از طرف دیگر، زنان براساس انتظاراتی که جامعه از آنها دارد، به ورزش‌هایی روی می‌آورند که به هویتشان در مقام زن صدمه نزند. انواع ورزش‌هایی که با تعبیری که از سلامتی و زیبایی‌شناسی می‌شود، بیشتر مناسب با طبیعت و نقش زنان است. برای نمونه، می‌توان از ژیمناستیک، ورزش دو و اسکی روی یخ نام برد. حتی در ورزش‌هایی که زنان و مردان در آنها شرکت می‌کنند، هنگام اجرای زنان، رنگ و بوی زنانه را می‌توان در آنان حس کرد. زنان به بدن خود بیشتر نگاه احساسی و تجربی دارند تا کارکردی. همین مسئله سبب شده است آنها بیشتر از آنکه به «عضلانی بودن»، آن چیزی که در نزد مردان مرسوم است، نظر داشته باشند، به «بدن بودن» (پلسنر) بدن فکر می‌کنند. این امر فهم خاصی از ورزش را در نزد زنان در پی داشته است. در بسیاری موارد زنان برای حفظ اندام خود می‌دوند. برعکس، در اغلب موارد هدف مردان از تمرین و دویدن نشان دادن کارایی خود است، به همین دلیل مردان دهنده خیلی بیشتر از زنان از کرومومتر هنگام دویدن استفاده می‌کنند.

به‌علاوه، وضعیت اجتماعی زنان و مردان شاخص مهمی برای ورزش است. در میان قشرهای میانی که فهم برابرطلبانه از جنسیت قوی‌تر است، زنان تقریباً به اندازه مردان در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند (برای مثال

تبعیض‌آمیز جنسیتی است که نیروی بیشتر و قهرمانی و برد و باخت را مدنظر قرار دارد، ورزشکاران و مربیان متقاضی کسب مقام‌های بالاتر و افزایش هویت ورزشی و تقویت آن، باید دیدگاه‌های مربوط به هویت جنسیتی و صفت‌های آن را در زنان و مردان ورزشکار تقویت کنند. پیشنهاد می‌شود نوع نگاه به ورزش به‌خصوص ورزش حرفه‌ای از دیدگاه سنتی و مردسالارانه به دیدگاه همکاری تغییر یابد. نوع نگاه مردسالارانه سبب افزایش تبعیض جنسیتی و تشدید دیدگاه جنسیتی می‌شود.

اسکی، تنیس). تقسیم کار خاص جنسیتی و تعیین نقش‌ها در قشرهای پایین جامعه به‌نحوی گسترده در ورزش بازناب دارد. در مقابل، به‌نظر می‌آید که زنان برآمده از قشرهای بورژوازی دارای آگاهی ورزشی و بدنی بسیار بیشتری از زنان برآمده از قشرهای فرودست‌اند. از دیدگاه ورزش حرفه‌ای با توجه به اینکه نوع ورزش کنونی در جهان و همچنین در ایران، بر مبنای دیدگاه مردانه و پدرسالاری تعریف شده است و نوع بازی برد و باخت در میدان‌های ورزشی برگرفته از خواسته‌های

منابع و مآخذ

۱. استادی، مریم. (۱۳۹۲). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر جنسیت بر مدیریت بدن». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، ص ۴۸-۶۲.
۲. جلالی آردی، سید هادی. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین مدیریت بدن و هویت اجتماعی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه اصفهان، ص ۳۰-۱۷.
۳. حجازی، الهه و رضادوست، زهرا. (۱۳۹۱). «بررسی اثر جنس و طرحواره‌های جنسیتی بر الگوهای دوستی». فصلنامه پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، ش ۳، ص ۷۸-۵۷.
۴. سیفاللهی، سیفالله و رازقیان، آناهیتا. (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر بر هویت جنسیتی زنان». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال دوم، ش ۳، ص ۳۹-۲۸.
۵. شکر بیگی، عالی‌ه و پیروز، اعظم. (۱۳۹۳). «جامعه‌شناسی گرایش به فرودستی جنسیتی ایرانیان». <http://anthropology.ir>
۶. عباسی، کاظم. (۱۳۸۳). «هویت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان کادر آموزشی شهر تبریز». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز، ص ۲۶-۱۲.
۷. علیخانی، اکبر. (۱۳۸۳). «مبانی نظری هویت». چ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ص ۱۱۲-۷۸.
۸. گروسی، سعیده. (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر باورهای قالبی بر روی نابرابری جنسیتی در خانواده مورد مطالعه: شهر کرمان و روستاها پیرامون آن». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، ص ۴۴-۲۶.
9. Antshel, K. M. (1995). "The effect of time of season on the athletic identity in collegiate swimmers". University of Oregon, Eugene, Oregon: Microform Publication, pp: 118-122.
10. Brewer, B. W., Boin, P. D., Petitpas, A. J., Van Raalte, J. L., Mahar, M. T. (1993). "Dimensions of athletic identity". The Annual Meeting of the American Psychological Association, Toronto, Canada, pp: 38-56.

11. Chalabaev, A. (2014). "The influence of sex stereotype and gender roles on participation and performance in sport and exercise: Review and future directions". *Journal of Psychology of Sport and Exercise*, 2, pp: 34-50.
12. Curry, T. J., Weaner, J. S. (1987). "Sport identity salience, commitment, and the involvement of self in role: Measurement issues". *Sociology of Sport Journal*, 4, pp: 280-288.
13. Darnall, B. (2002). "The Relationship between athletic identity, elite athlete self-esteem, coping and pathology in elite athletes". *University of Colorado, USA*, pp: 102-114.
14. Giligan, C. (1982). "In a different voice". *USA: Harvard University Press*, pp: 36-42.
15. Good, A. J., Brewer, B. W., Petitpas, A. J., Van Raalte, J. L., Mahar, M. T. (1993). "Identity foreclosure, athletic identity, and college sport participation". *The Academic Athletic Journal*, 8, pp: 1-12.
16. Hejazi, E., Rezadoust Z. (2012). "Influence of gender & gender roles on friendship patterns". *Women and Society Journal*, 3(3), pp: 54-78.
17. Karelaia, N., Guillen, L. (2014). "Me, a woman and a leader: positive social identity and identity conflict". *Organizational Behavior and Human Decision Processes Journal*, 125, pp: 204-219.
18. Kim, M., Trail, G. T. (2007). "Influence of role identities on volunteer intentions". *International Journal of Sport Management*, 8(3), pp: 1-25.
19. Kimmel, M. (1997). "Masculinity as homophobia, in toward a new psychology of gender". In: M. M. Gergen, S. N. Davis (Eds.). *Toward a new psychology of gender*. New York: Routledge, pp: 223-242.
20. Krylowicz, B. J. (2000). "Student-athlete or athlete-student? An investigation of athletic and vocational identity of Division I male and female collegiate basketball players". *Dissertation Abstracts International: Section B: The Sciences & Engineering*, pp: 58-63.
21. Nolen-Hoeksema, S. (1987). "Sex differences in unipolar depression: Evidence and theory". *Psychological Bulletin*, 101, pp: 259-282.